

رویدادها

دیدگاه هنرمندان درباره هنرمندی انقلابی
حاتمی کیا، پرچمدار سینمای دفاع مقدس



مدیرعامل انجمن سینمای دفاع مقدس در مراسم تجلیل از ابراهیم حاتمی کیا گفت: کزاف نیست اگر ابراهیم حاتمی کیا را شهید بنامیم. به گزارش مهر، محمدرضا شرفالدین، مدیرعامل انجمن سینمای دفاع مقدس که به‌عنوان یکی از میهمانان حاضر در مراسم تجلیل از ۳۰ سال فیلمسازی ابراهیم حاتمی کیا با عنوان «دیدمان سینمای انقلاب» در خیرگزاری فارس حضور داشت با بیان این مطلب گفت: امروز پس از سال‌ها دوستی با ابراهیم، از ایشان تشکر می‌کنم و می‌گویم که دوستش دارم. مدیرعامل انجمن سینمای دفاع مقدس در ادامه با اشاره به این مطلب که خوانند در قرآن پیامبر را شهید نامیده است، گفت: در قرآن چندین بار شاهد هستیم که خداوند پیامبر را به‌عنوان شاهد و شهید معرفی کرده است. شرفالدین تأکید کرد: زمانی که به این آیات می‌رسیم، من مصداق آن را هنرمندان می‌دانم چون آگاه بر احوال جامعه هستند. از همین رو شاید کزاف نباشد در همین جا ابراهیم را شهید ابراهیم حاتمی کیا بدانم، زیرا معتقدم ایشان در تمام دوره‌های انقلاب شاهدهی بر جامعه خود بوده و فیلمی متناسب با آن ساخته است. در ادامه این مراسم نرگس آبیار کارگردان فیلم «تجسین شده - ششبار ۱۴۳» گفت: ابراهیم حاتمی کیا جریان فیلم دفاع مقدس را مرهمی، پویا و زنده نگه داشت و توانست ارزش‌های نجیب، شریف و کمتر دیده‌شده در جامعه را به تصویر بکشد. آبیار افزود: به اعتقاد من ابراهیم حاتمی کیا قهرمان زنده، زخم خورده و پایان‌ناپذیر مملکت است، چراکه تاریخ جنگ را به زیبایی به تصویر کشیده است. او با نشان دادن دفاع مقدس مفهوم جنگ کلاسیک در دنیا را به چالش کشیده و تبدیل به دفاع مقدس کرده است. این کارگردان سینمای ایران در پایان صحبت‌های خود گفت: دفاع مقدس آزمونی برای رسیدن به انسانیت است که ابراهیم حاتمی کیا پرچمدار این عرصه است.

سعید حدادیان، مداح اهل بیت که در این مراسم حضور داشت، درباره ابراهیم حاتمی کیا گفت: این فیلمساز شخصیتی است که از گم‌گام‌ترین تا پرآوازه‌ترین شخصیت‌های دفاع مقدس را از «دیدمان» تا «ب» که به تصویر کشیده است و نسل امروز و آینده به او میدیون هستند. وی تصریح کرد: حاتمی کیا ممتاز سینمای ایران است و جنگی به او عشق می‌ورزند، چراکه این فیلمساز هنر را به تعهد گروه زده است. وی در پایان گفت: خاضعانه از هنر و هنرمندان متعهد تشکر می‌کنم چون هنری که در انقلاب اسلامی تعریف می‌شود هنری نیست که در آن اعتراض وجود نداشته باشد، برخی مجموعه اعتراضات را به هم می‌یافند و عرضه می‌کنند اما این فقط رسالت هنر نیست زیرا هنرمند اندیشه‌گر است.

آغاز بخش مجموعه پلیسی «میکائیل»



بخش مجموعه تلویزیونی «میکائیل» به کارگردانی سیروس مقدم از امشب در شبکه یک سیما آغاز می‌شود. به گزارش فارس، بخش مجموعه تلویزیونی «میکائیل» آخرین ساخته سیروس مقدم از امشب - شنبه ۲۲ فروردین ماه - در شبکه یک سیما آغاز می‌شود. بنا بر این گزارش، این سریال تلویزیونی جز پنجشنبه و جمعه هر شب ساعت ۲۲ روانه آنتن می‌شود. سریال میکائیل پس از پایان تصویربرداری در لوکیشن‌های مختلف تهران از جمله پارک ارم، فرودگاه، راه‌آهن، بیمارستان ناجا، خانه‌های میکائیل در میدان سپاه، ملاصدرا و اطراف لوسان به قلم رسید و در قلم لوکیشن‌های متعددی از جمله منزل عبدالله (پورحسینی)، منزل آقاخان (علیرضا خرسه)، کارخانه لنج‌سازی، جزیره هنگام، بیمارستان، بیابان‌های جزیره، دریا و... لوکیشن‌های اصلی سریال بود و در روزهای آخر تصویربرداری، فضای وهم‌انگیز شخصیت میکائیل در «دره سستارگان» به تصویر کشیده شد. سریال «میکائیل» به قلم سعید نعمت‌الله مضمونی پلیسی دارد که ما با مشارکت نیروی انتظامی (ناجی هنر) و شبکه اول سیما در گروه مجموعه‌های تلویزیونی شبکه اول سیما تولید می‌شود. در خلاصه داستان این سریال تلویزیونی آمده: رسول دوست عزیز و رفیق میکائیل به اشتباه قربانی توطئه اشهر می‌شود. میکائیل به پلیس سختکوش و پر تلاشی است برای استقرار نظم و آرامش بیشتر عزم خود را جزم می‌کند و با تکیه بر حمایت‌های مردم دل به دریا می‌زند.

گفت‌وگو با آرش مجیدی، بازیگر فیلم «روابه» و سریال به یادماندنی «ارمغان تاریکی»

ترور دانشمندان دردی فراموش‌نشده است



علیرضا پورصباغ: آرش مجیدی سال‌هاست در سینما و تلویزیون فعالیت می‌کند. با «ارمغان تاریکی» و تمام لحظات حسنی این سریال می‌خکوبمان کرد و در «روابه» بسیار خوش درخشید. مجیدی در روباه بیش از اینکه بازیگر فیلم باشد، ستاره است. آنچه در پی خواهد آمد گفت‌وگوی صمیمانه‌ای با این بازیگر است.

اولین نکته درباره همین مساله بازیگری است، من خیلی از بازیگران را دیدم که در سرپال‌های متنوع در تلویزیون می‌درخشند و نقش‌های خوب و فوق‌العاده‌ای را بازی می‌کنند اما اصلا گوی به سینما برای آنها جایی نیست. فیلمسازان جریان اصلی سینما آنها را نمی‌بینند یا وقتی هم به سینما می‌روند و امتحان خود را درست پس می‌دهند باز هم در سینما برایشان بسته‌تر می‌شود. قبل از اینکه به فیلم «روابه» و تمام حواشی آن بپردازم می‌خواهم از اینجا شروع کنیم.

سوال خوبی است اما من هم پاسخ آن را نمی‌دانم چون من هم آدمی هستم که وسط این اتفاق هستم، آنقدر که گاهی با خودم می‌گویم شاید من خودم فکر می‌کنم که خوبم. شاید فکر می‌کنم که توانست‌ام از پس نقش بر بیام، در حالی که اتفاقات ظاهر این را نشان نمی‌دهد. من به‌عنوان یک بازیگر، ایرادی که به اتفاقات کنونی سینما می‌گیرم این است: یعنی همه ما یک جور خطمشسی و دیدگاه داریم اما اینکه خواهیم این مساله را در کار دخیل کنیم که بگوییم این کار بشود، به این دلیل یا فلان کار نشود، به این دلیل، نه واقعا! در حیطه بازیگری من یک بازیگر و آسیاب باید بتواند همه چیز را خرد کند.

پس به‌خاطر «ارمغان تاریکی» و به پیوسته آن، «روابه» نمی‌توان گفت که انتخاب‌های شما سیاسی بوده است یا اینکه نگاه ایثاروژوئیک به قضیه داشته‌اید؟

نه واقعا! مثلا درباره «ارمغان تاریکی» اتفاقا آدمی که وجود دارد، غیرسیاسی‌ترین آدم آن جمع بوده است (در روند قصه). چون از یک جایی که خود را به صورت متظاهر، جزو مجاهدین نشان می‌دهد (به‌خاطر عشقش) می‌رود اما در انتها می‌گوید آقا من آدم عشق هستم، نه آدم این طرف هستم و نه آن طرف! در کاری به اسم «روابه»، من اصلا نمی‌دانم چرا شما آن فیلم را سیاسی می‌بینید؟ یا چرا آن کاراکتر را سیاسی می‌بینید؟ او یک پلیس امنیتی است مثل همه جای دنیا. یک نیروی امنیتی که کارش حفاظت و امنیت است.

خیلی از بازیگرها آمدند در این کار و همین که فهمیدند قصه فیلم چیست، دور بپرورز را خالی کردند. این اتفاق را دیگر خودتان به چشم دیده‌اید.

از خوش‌اقبالی من بوده که نرفتم‌اند و من رفتم به جایشان (خنده) من اصلا آن‌طور به قضیه نگاه نمی‌کنم چون به‌هر حال من برای همیشه می‌خواهم در ایران زندگی کنم (چون یک حرف‌هایی می‌زنند که البته من دقیقا نمی‌دانم منظورشان چیست) به‌هر حال من دارم در این مملکت زندگی می‌کنم بعد هم در همه جای دنیا این تیپ فیلم ساخته می‌شود، فیلم پلیسی، جاسوسی.

فکر می‌کنم فضای سینما کمی سیاسی شده است. زمانی که بهروز افخمی می‌خواست «روز شیطان» را با موضوعی شبیه همین فیلم «روابه» بسازد، این مسائل وجود نداشت یعنی مثلا منوچهر حامدی آمد در آن فیلم بازی کرد، آتیا پساپسینی بازی کرد یا عبدالرضا اکبری که ستاره آن دوران بود. ولی الان اوضاع به‌گونه‌ای است که گویی تمام افرادی که بازی در فیلم‌روابه را پذیرفته‌اند، قهرمانان سیاسی سینما هستند.

انتخاب فیلمی مثل «روابه» کمی سخت و دشوار است. در این شرایط حضور در فیلم روباه به ریسک زیادی نیاز دارد. آیا نگرش سیاسی شما برای پذیرش این نقش موثر بوده؟

نه واقعا. یعنی به آن معنا نخواهم آدم سیاسی باشم نه! بین: یک اتفاق بد وجود دارد، حالا به تعبیر من، بد! آن هم اینکه در جهان سوم، همه چیز ما سیاسی است، یعنی از آب و نان گرفته تا هوایی که نفس می‌کشیم به‌هر حال سیاسی است! یعنی همه ما یک جور خطمشسی و دیدگاه داریم اما اینکه خواهیم این مساله را در کار دخیل کنیم که بگوییم این کار بشود، به این دلیل یا فلان کار نشود، به این دلیل، نه واقعا! در حیطه بازیگری من یک بازیگر و آسیاب باید بتواند همه چیز را خرد کند.

پس به‌خاطر «ارمغان تاریکی» و به پیوسته آن، «روابه» نمی‌توان گفت که انتخاب‌های شما سیاسی بوده است یا اینکه نگاه ایثاروژوئیک به قضیه داشته‌اید؟

نه واقعا! مثلا درباره «ارمغان تاریکی» اتفاقا آدمی که وجود دارد، غیرسیاسی‌ترین آدم آن جمع بوده است (در روند قصه). چون از یک جایی که خود را به صورت متظاهر، جزو مجاهدین نشان می‌دهد (به‌خاطر عشقش) می‌رود اما در انتها می‌گوید آقا من آدم عشق هستم، نه آدم این طرف هستم و نه آن طرف! در کاری به اسم «روابه»، من اصلا نمی‌دانم چرا شما آن فیلم را سیاسی می‌بینید؟ یا چرا آن کاراکتر را سیاسی می‌بینید؟ او یک پلیس امنیتی است مثل همه جای دنیا. یک نیروی امنیتی که کارش حفاظت و امنیت است.

خیلی از بازیگرها آمدند در این کار و همین که فهمیدند قصه فیلم چیست، دور بپرورز را خالی کردند. این اتفاق را دیگر خودتان به چشم دیده‌اید.

از خوش‌اقبالی من بوده که نرفتم‌اند و من رفتم به جایشان (خنده) من اصلا آن‌طور به قضیه نگاه نمی‌کنم چون به‌هر حال من برای همیشه می‌خواهم در ایران زندگی کنم (چون یک حرف‌هایی می‌زنند که البته من دقیقا نمی‌دانم منظورشان چیست) به‌هر حال من دارم در این مملکت زندگی می‌کنم بعد هم در همه جای دنیا این تیپ فیلم ساخته می‌شود، فیلم پلیسی، جاسوسی.

فکر می‌کنم فضای سینما کمی سیاسی شده است. زمانی که بهروز افخمی می‌خواست «روز شیطان» را با موضوعی شبیه همین فیلم «روابه» بسازد، این مسائل وجود نداشت یعنی مثلا منوچهر حامدی آمد در آن فیلم بازی کرد، آتیا پساپسینی بازی کرد یا عبدالرضا اکبری که ستاره آن دوران بود. ولی الان اوضاع به‌گونه‌ای است که گویی تمام افرادی که بازی در فیلم‌روابه را پذیرفته‌اند، قهرمانان سیاسی سینما هستند.

مثلا «ارمغان تاریکی» درباره اتفاقاتی است که در سال‌های ۶۰-۵۹ افتاده است به‌هر حال از آن گذر کرده‌ایم، سالی است که به‌هر حال خیلی از مسائل آن دوران مشخص شده است. بعد هم فیلم روباه قرار نیست توی خواهد تحلیلگر سیاسی باشد. درباره فیلم «روابه» هم باید بگویم که اصلا مساله هسته‌ای برای من چیز کم و بی‌ارزشی نیست و مهم‌تر از همه، قضیه ترور. به‌هر حال ترور دانشمندان برایم یک مساله و درد است. چرا؟ به‌خاطر اینکه ما مثلا ساخت‌افزار انرژی اتمی یا هر چیز دیگری را می‌توانیم بیاوریم اما آدم‌هایی که نرم‌افزارش هستند و مال ما هستند را وقتی می‌کشند نمی‌توانیم راحت جایگزین کنیم. فرقی نمی‌کند، حتی آدم‌های سینما! ما افراد سینماگری که سینماگران خوب و توانا و فهمی هستند، اگر اینها را خودمان بکشیم یا آنط‌فی‌ها بکشند، اگر کشتن شخصیت‌شان باشد، به‌هر حال این مساله یک درد است چون ما آن کی مورد به کی من برسد؟ واقعا سعی می‌کنم از بین فیلمنامه‌هایی که همین ترور دانشمندان هسته‌ای برای من یک درد و مساله است.

می‌شود این آدم این کارها را انجام داده باشد؟! ریگی را مگر می‌شود اصلا این آدم گرفته باشد؟ اصلا به ظاهرش نمی‌خورد! **یعنی کسی که ریگی را گرفت، مشاور شما بود؟**

بله! این آدم این کار را کرده است ولی بعد با خودم گفتم چرا باید عجیب و غریب به نظر برسد؟ باید هم همین‌طور باشد. اتفاق خوب یا بدش این بود که آقای افخمی به من گفت بین این نمونه واقعی ماست و ما باید به این واقعت نزدیک بشویم. بویژه درباره چیزی که تا به حال ندیده‌ایم. بویژه نمونه ایرانی‌اش را ندیده‌ایم. **یک جایی از فیلم مواذیت کرد مثلا آن موقع که می‌روی دم خانه حمید (حمید گودرزی) و از آن پایین داد می‌زنی بیا پایین. وزارت اطلاعات! خیلی فان و رو نیست.**

حالا من یک نکته‌ای را بگویم که خیلی بازمه است. عینا همین اتفاق برای من افتاد. خانه بودم، شبکار هم بودم یعنی پادم هست که کار، به سر ظهر هم کشیده بود. دیگر ساعت ۱۱-۱۰:۳۰ کسی خانه نبود، رنگ منزل را زدنم، رفتم پشت در و گفتم بله؟ گفتند: تشریف می‌آورد یابین؟ گفتم: شما؟ گفتند: از اطلاعات هستیم. گفتم: خدایا! اطلاعات؟ من؟! خانه ما چه از ارتباطی دارد؟ رفتم یابین که واقعا هم اطلاعات بود اما با شخص دیگری کار داشت از من می‌خواستند یک سوالی بپرسند. همین! اما دیدم در زندگی روزمره این اتفاق می‌افتد. دیده‌ام. دم در خانه خودم اتفاق افتاده.

پس در آن صحنه خودت اصلا مقاومت نکردی که مأمور امنیتی خودش را این‌طوری معرفی نکند؟

نه! اگر ندیده بودم حتما می‌گفتم مگر می‌شود؟! که قطعاً باز هم بهروز افخمی مرا توجیه می‌کرد که بله می‌شود!

مشاوران درباره آن صحنه چه گفتند؟

آن روز نمی‌دانم مشاور بود یا نه! (خنده)

بهروز هم صحنه را گرفت دیگر! من شنیدم بهروز افخمی خیلی حساس است و بازیگران را خیلی اذیت می‌کند. یعنی پلان‌ها را همین‌طور نمی‌گیرد و رد شود. با اینکه می‌دانم عجله هم داشته‌اید اما مطمئن حساسیت‌های بهروز وجود داشت.

این‌ها اول به معنای اذیت کردن نیست اما یک چیزی که بود و خیلی هم جذاب بود درباره بهروز (که به نظرم برای همه بازیگران ارزشمند است) خیلی خوب بازی را می‌شناسد و این ویژگی چیزی بود که من از «شوکران» به یاد دارم. اول می‌شود، می‌گوید اگر چیزی که اجرا می‌کنی، به گوش من درست بیاید یا قطعاً تصویرش هم درست است. یعنی اگر لحن، لحن درستی باشد، قطعاً درست است اما یک چیزی که داشت و خیلی مهم بود این بود که چند جا به من گفت: آرش خوب بود اما بازی‌اش کردی! تحت هیچ شرایطی بازی‌اش نکن! حس تک‌دم داری بازی می‌کنی **برای خودت جذاب نبود که این آقای مشاور، ریگی را دستگیر کرده؟ داستان ریگی برای سینماگر و بازیگر باید خیلی جذاب باشد.**

جالب بود چون من آن جریان گرفتن ریگی را یک بار هم از آن دوستان که مربوط به سیستم امنیت هوایی کشور هستند شنیده بودم. بگام امنیتی، حفاظت هوایی کشور، به هر حال جذاب نبود دیگر! آنها از آن طرف قصه را تعریف می‌کنند و اینها هم از این طرف و هر دوی اینها با هم می‌شود و جذاب می‌شود. بله! جذاب بود. بین: خیلی کارهای عجیب و غریبی می‌کنند، اصلا شوخی ندارد! تعارف نداردیم به هر حال من سیستم طرف کشورمان، چه اتفاقاتی دارد می‌افتد. از عراق، سوریه، افغانستان و منطقه حاشیه خلیج فارس اما کشور ما با وجود همه این اتفاقات هنوز امنیت خود را دارد. یعنی در همه این بلبشویی که دارد اتفاق می‌افتد و واقعا بی نهایت حفظ امنیت کشور در این شرایط، کار سختی است.

روابه از چه جنبه‌هایی برای تو اهمیت داشت؟

بعد از انقلاب بیش از ۱۷ هزار ترور در کشورمان رخ داده است یعنی در واقع ۱۷ هزار قربانی ترور. اصلا حس نمی‌کنم! کلان‌نسبت به ترور مشکل دارم. قبل از اینکه تعارف را نمایش بدهند همه می‌گفتند فیلم سفارشی است در حالی که اصلا سفارشی نیست. یعنی نه به آن معنا که جایی پولی داده باشد که بیا و برای ما این فیلم را بساز. اصلا اینطور نیست اما همه می‌گفتند بهروز افخمی رفته فیلمی بسازد درباره انرژی هسته‌ای و ترور و... ولی وقتی فیلم را دیدند گفتند نای یک فیلم خوب و خوش ساخت است درباره مسائل جذاب امنیتی که حالا یک فان جذابی هم در فیلم وجود دارد. یکی از ویژگی‌های جذاب روباه به نظرم این است که فیلمی نیست که بگویم حالا اکشن عجیب و غریبی دارد یا تیر و تیراندازی خاصی باشد که همدیگر را لت و پار کنند. نه اتفاقا! یک اکشن در ساخت دارد که یک انتخاب خیلی خوب است به نظرم. یک نوع بازی فکری است در واقع جاسوسی‌بازی که همه مهره‌های خودشان را دارند و براساس اندیشه و فکرشان بازی می‌کنند.

آخبار

اعلام اسامی داوران بخش‌های مستند و فیلمنامه جشنواره «سما»



محمدرضا عباسیان، سلیم غفوری و رضا پورحسین به عنوان داوران بخش مستند معرفی شدند و قرار است از میان آثار مورد تأیید هیات انتخاب، برترین‌ها در این بخش را مورد داوری قرار دهند. به گزارش تسنیم، در بخش مستند ۱۰۲ اثر به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که از این تعداد ۱۸ فیلم توسط هیات انتخاب به داوران این بخش معرفی شد. محمدرضا عباسیان عمده فعالیت‌های خود را در عرصه مستندسازی گذراند است و در کارنامه کاری خود عنوان دبیری دومین جشنواره فیلم «باس» و دبیری جشنواره سی و یکم فیلم فجر را دارد. رضا پورحسین اکنون در سمت قائم‌مقام معاون سیما مشغول به فعالیت است. سلیم غفوری مستندسازی است که عمده آثارش در حوزه مستندسازی بوده است. آخرین فعالیت غفوری به حضور در هیات انتخاب بخش «مستند» نهمین جشنواره فیلم کوتاه دینی‌رویش اختصاص داشت. همچنین ۳ فیلمساز بخش فیلمنامه‌نویسی نخستین جشنواره فیلم کوتاه «سما» را داوری می‌کنند. مجید شاه‌حسینی، محمدرضا گوهری و پرویز شیخ‌طاهای به عنوان داوران بخش فیلمنامه معرفی شدند و قرار است این هیات داوری از میان آثار مورد تأیید هیات انتخاب، برترین‌ها در این بخش را معرفی کند. در بخش فیلمنامه جشنواره فیلم «سما» ۴۴۲ اثر به دبیرخانه جشنواره ارسال شده بود که از این تعداد ۵۹ فیلمنامه به مرحله داوری رسید. نخستین جشنواره فیلم کوتاه «سما» با موضوع «سنسک زندگی ایرانی و اسلامی» از تاریخ ۲۲ تا ۲۷ فروردین ماه به دبیری مجتبی امینی در سینما فلسطین برگزار می‌شود.

بخش سری جدید «هشدار برای کبرا ۱۱»



بخش سری جدید «هشدار برای کبرا ۱۱» از پنجشنبه ۲۰ فروردین ماه ساعت ۲۰ آغاز شده است. به گزارش ایرنا، این مجموعه محصول کشور به سال ۲۰۱۴ است که در ۸ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای نمایش داده می‌شود. محافظ شخصی، شب آخر، قربانیان خونوت، به خاطر جان خود و... عنوان قسمت‌های جدید این مجموعه است. بنا بر این گزارش، در این مجموعه شاهد جلوه‌های ویژه و صحنه‌های اکشن جدید و بهروز هستیم که متفاوت‌تر از سری‌های قبلی این مجموعه است. در خلاصه داستان این مجموعه آمده است: ماجرای ۲ پلیس موفق یک گروه پلیسی است که در هر قسمت با ماجرای جنایی پلیسی مواجه می‌شوند و تپه‌کار شهری را دستگیر می‌کنند. سری جدید مجموعه پلیسی «هشدار برای کبرا ۱۱» کاری از واحد تأمین برنامه شبکه ۵ با مدیردیپلازی افشین ذبی‌نوی است. «هشدار برای کبرا ۱۱» پنجشنبه‌ها هر هفته ساعت ۲۰ پخش و تکرار آن ساعت ۲۳ است.

موتقی سرهنگی، برترین چهره هنر انقلاب اسلامی در سال ۹۳

مراسم روز هنر و انقلاب اسلامی در سالن سوره حوزه هنری انجام شد. به گزارش تسنیم، در این مراسم برترین چهره هنری سال ۱۳۹۳ در عرصه انقلاب اسلامی معرفی و تقدیر شد. در این مراسم ۱۸ تن از بهترین هنرمندان حوزه هنری در سال ۹۳ تقدیر شدند. این هنرمندان کسانی بودند که آثاری را برای حوزه هنری تولید و جوایز معتبری را در جشنواره‌های مختلف از آن خود کرده بودند. ۱۸ هنرمند برتری که مورد تقدیر قرار گرفتند عبارتند از: علیرضا کمری، محمدکاظم مزنیانی، محمدمهدی بهیاروند، احمد دهقان، سیدرضا میر کریمی، فاضل نظری، بهزاد عبدی، مهرداد صادقی، بهناز ضرابی‌زاده، امیررضا معتمدی، امیرعباس ربیعی، محمد کرزاده، سیدجلال دهقانی، امید خوش‌نظر، آرش کریمی، یاسر خان‌برایی، حسین بهرامی و حمید جمالی. در بخش پائینی این مراسم ۵ هنرمند برتر انقلاب اسلامی در سال ۹۳ معرفی و تقدیر شدند که از این میان مسعود نجابتی، فاضل نظری، ابراهیم حاتمی کیا و نرگس آبیار میان تقدیرشدگان بودند و مرضی سرهنگی به‌عنوان چهره برتر هنر انقلاب اسلامی در سال ۹۳ معرفی شد. همچنین میان حرکت‌های جریان‌ساز در سال ۹۳ جایزه این بخش به مجمع ناشران انقلاب اسلامی اختصاص یافت.